

مهمان ویژه: تجلی رمضان و روزه‌داری در سیره شهدا

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر نادم*

مقدمه

هر کشوری برای تأمین امنیت و حراست از مرزهای جغرافیایی و هویتی خود ناچار از دفاع و ایستادگی است. کشور ما ایران هم از این اصل ضروری مستثنا نیست؛ از این رو در دوران هشت سال دفاع مقدس رزمندگان غیور و دلاورمان برای مقابله با دشمن متجاوز از سرتاسر کشور به مناطق جنوب و جنوب غربی کشور اعزام می‌شدند.

ماه رمضان بهترین و زیباترین خاطرات را برای رزمندگان در سنگرها به ارمغان آورده بود. برکت دعا در کنار سنگرها، نماز روی زمین خاکی، سحری خوردن کنار آربی جی و مسلسل، وضو با آب سرد، قنوت در دل شب، گریه بچه‌های عاشق در رکوع و همه و همه دست به هم داده بود تا زیباترین بستر برای یک مهمانی خدایی مهیا شود. اینکه خدا در مهمانی اش متاع وجودت را خریدنی ببیند و با زبان روزه و سبکبال‌تر از هر زمان دیگری لباس شهادت بر تنت بپوشاند و خودش میزبان افطارت باشد، چیزی جز ترجمان آیه «نور علی نور» نیست.

آتش توپ و تانک و گرمای سوزان تابستان جنوب، شرایط سختی را برای رزمندگان در ماه مبارک رمضان رقم می‌زد. ساعت‌ها تشنگی و گرسنگی کار بسیار سختی بود که رزمندگان در پرتو معنویت و بندگی خالصانه در این ماه، آن را با اشتیاق به جان می‌خریدند.

با بررسی تاریخ دفاع مقدس چنین به دست می‌آید که در دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی، ماه رمضان بین دو فصل بهار و تابستان قرار داشت؛ یعنی از سال ۵۹ که جنگ آغاز شد، شروع ماه مبارک رمضان در تیرماه بود و پایان جنگ یعنی سال ۶۷، ماه مبارک رمضان مقارن با اردیبهشت و فروردین بود. با این اوصاف در این دوران چند عملیات مهم در ماه رمضان توسط

* دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره).

رزمندگان روزه‌دار به ثبت رسیده است؛ از جمله عملیات محدود رمضان (۱۳۶۰/۰۵/۰۵) مصادف با ۲۵ رمضان در منطقه زید؛ عملیات رمضان (۱۳۶۱/۰۴/۲۳) مصادف با ۲۱ رمضان در شلمچه (شرق بصره)؛ عملیات ایزدایی ظفر (۱۳۶۴/۰۳/۱۷) مصادف با ۱۷ رمضان در جزیره مینو و عملیات قدس (۱۳۶۴/۰۳/۲۴) مصادف با ۲۵ رمضان در هورالهویزه (شرق دجله).

ایستادگی دلیرانه و مقاومت دوچندان رزمندگان در ماه رمضان موجب برافروخته شدن هرچه بیشتر آتش غیظ و درنده‌خویی نیروهای دشمن می‌شد. آنها همواره در پی تلافی و انتقام‌جویی بودند؛ از این رو وقت اذان صبح، مغرب و عشا حملات و آتش خود را افزایش می‌دادند. این اقدام ناجوانمردانه آنها در حالی بود که وقتی از ایرج مشفق یکی از رزمندگان گیلانی خواسته شد با قبضه مینی‌کاتیوشا به سمت دشمن شلیک کند، او مخالفت کرد و گفت: «موقع اذان است و شاید کسی از آنها در حال نماز خواندن یا افطار کردن باشد، اجازه بدهید کمی زمان بگذرد بعد پاسخ‌شان را می‌دهم».

به گواهی اسناد بنیاد شهید و امور ایثارگران، حدود پانزده هزار رزمنده در ماه رمضان و چهار هزار در عملیات رمضان که در تیرماه سال ۶۱ انجام شد، به فیض شهادت رسیدند که از این آمار ۲۱۹ شهید روحانی بودند. ناگفته نماند این آمار بدون احتساب شهدای رضائی مبارزات انقلاب، ترور اوایل دهه ۶۰ و قربانیان روزه‌دار و مظلوم بمباران‌های شهری است. در ادامه به معرفی برخی از جلوه‌های تجلی رمضان در انقلاب و دفاع مقدس می‌پردازیم.

۱. از نام‌گذاری‌های رضائی تا جهاد و شهادت

در دوران دفاع مقدس بیش از پانصد نفر از رزمندگانی که در ماه رمضان به شهادت رسیده‌اند، به نام «رمضان» و «رمضانعلی» و با نام خانوادگی «رمضائی» و مشتقات آن بوده‌اند. بررسی وصیت‌نامه‌ها نشان می‌دهد شهدا به طور ویژه‌ای به «روزه‌داری، قرائت قرآن، دعا برای رزمندگان اسلام، آرزوی شهادت و استجاب دعا در ماه رمضان» توجه و تأکید داشته‌اند.^۱

شهید عالی‌زاد، جوان بیست‌ساله‌ای است که در ماه رمضان ۱۳۴۰ به دنیا آمد و به همین دلیل پدر و مادرش او را «رمضان» نامیدند. او نامش رمضان بود، در ماه رمضان به دنیا آمد، ماه

۱. برگرفته از مصاحبه حجت‌الاسلام مازنی، معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید؛ به نقل از خبرگزاری

تسنیم به آدرس:

رمضان به جبهه رفت، در عملیات رمضان هم به شهادت رسید و به «شهید رمضان» لقب گرفت.

۲. شهدای انقلاب در رمضان

ماه مبارک رمضان جزء ظرفیت‌های سرنوشت‌ساز مبارزه در راستای پیروزی انقلاب اسلامی بود. بهره‌گیری از ظرفیت ماه مبارک رمضان حرکت انقلاب را سرعت می‌بخشید. این ماه فرصتی فراهم آورد تا چرخ‌های پرتوان انقلاب پس از یک دوره کوتاه خاموشی، با بهره‌گیری از توان مساجد، بسیج مردمی، برگزاری جلسات سخنرانی در راستای افشای ماهیت رژیم، برگزاری نماز عید و گسترش تظاهرات‌های مردمی، به حرکت درآید و رژیم را غافلگیر کند.

رژیم دریافت، آرامش ماه‌های پیش از رمضان، مقدمه خیزشی همگانی و فراگیر بوده است. نهضتی که از دی‌ماه ۱۳۵۶ شکل تازه‌ای به خود گرفت و از اواسط تابستان ۱۳۵۷ که مصادف با ماه مبارک رمضان بود، به شکل فزاینده‌ای در سراسر کشور ایجاد شد. راهپیمایی و تظاهرات روز شانزدهم و هفدهم شهریور سال ۵۷، یکی از مهم‌ترین فواید ماه مبارک رمضان آن سال در تاریخ وقایع و رویدادهای انقلاب به شمار می‌آید.

دیگر رخداد‌های ماه مبارک رمضان، همچون آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در چهاردهم رمضان، اجتماع مردمی سیزدهم شهریور در نماز عید فطر، تظاهرات شانزدهم شهریور و سرانجام جمعه سیاه، زنجیره‌ای از مهم‌ترین تحولات و رویدادهایی بودند که به تداوم شیوه مبارزاتی انقلابیون مبنی بر ورود توده‌های مردم به صحنه راهپیمایی و مبارزه با رژیم انجامید و رژیم پهلوی را با چالش‌های عمده‌ای مواجه کرد. راهپیمایی‌های گسترده مردم در نقاط مختلف کشور موجبات شکسته شدن شکوه ظاهری رژیم پهلوی و تضعیف هرچه بیشتر نیروهای نظامی و انتظامی را فراهم می‌آورد.

در مشهد نیز تظاهراتی که در روز پنج‌شنبه نهم شهریور سال ۱۳۵۷ برگزار شد، تظاهرکنندگان در میدان طبرسی رودرروی نیروهای مسلح قرار گرفتند. این رویارویی باعث شهادت عده‌ای از روزه‌داران بی‌گناه شد. شهید رضا حسن‌زاده جوان محصل هجده‌ساله‌ای که در کنار تحصیل به کار لوله‌کشی آب اشتغال داشت، درحالی‌که فریاد الله اکبر سر داده بود، در مقابل چشم مردم با دهان روزه به ضرب گلوله‌ای در خون خود غلتید. به دنبال او شهید علیرضا مهدی‌زاده که فارغ‌التحصیل رشته مهندسی راه و ساختمان از آمریکا بود و تنها یک روز از ازدواجش می‌گذشت، به دلیل اعتراض به شهادت شهید حسن‌زاده با گلوله دیگری توسط

مأموران رژیم شاه به شهادت رسید.

الف) شهید سیدعلی اندرزگو شخصیت هزارچهره

حجت الاسلام سیدعلی اندرزگو نخستین شهید روزه‌دار نهضت امام علیه السلام است که روز دوم شهریور سال ۵۷، مصادف با نوزده رمضان مورد اصابت ده‌ها گلوله ساواک قرار گرفت و به فوز عظیم شهادت نایل آمد.^۱ تعقیب و گریزهای ساواک و خلق شخصیت و چهره‌های جدید توسط سیدعلی اندرزگو همچنان ادامه داشت، زندگی در ظاهر ماجراجویانه اما به شدت هدفمندی که پای او را در سال ۱۳۵۱ حتی به افغانستان هم کشاند. مشهد مقصد بعدی سید بود و با اقامت طولانی در آنجا، توانست تحصیلات حوزوی اش را هم ادامه دهد. سیدعلی با زیرکی و شجاعتش چنان مأموران ساواک را به سخره گرفته بود که در همان سال‌ها موفق شد بی هیچ مشکلی دوبار به حج برود!

نوبت دوم عمره برای سید اما با طرح و نقشه‌ای خاص همراه بود. او از عربستان به عراق رفت و در نجف یک بار دیگر توانست به ملاقات امام خمینی علیه السلام برود. اما این پایان ماجرا نبود؛ هیچ‌کس نمی‌دانست سیدعلی اندرزگو چه در سر دارد که به خاطرش حاضر است مخاطرات سفر به سوریه و لبنان را هم به جان بخرد. وقتی او در لبنان در یک دوره آموزش نظامی شرکت کرد، معلوم شد برای آینده مبارزاتش علیه رژیم برنامه ویژه‌ای دارد.

بازگشت مخفیانه این طلبه شجاع و خستگی‌ناپذیر به ایران، با اوج‌گیری مبارزات انقلابی مردم در ماه رمضان ۱۳۵۷ مصادف شده بود. هیچ‌کس نمی‌دانست سید با یک تصمیم سرنوشت‌ساز به وطن برگشته است: ترور شاه. مأموران ساواک هم که دیگر نمی‌خواستند مقهور زیرکی اندرزگو شوند، قم و مشهد و تهران و تمام اشخاصی را که ممکن بود با او ارتباط داشته باشند، همواره زیر نظر داشتند.

بیست و سوم ماه مبارک رمضان روز بزرگی بود که سید برای اجرای هدف مهمش برای خود تعیین کرده بود. همه چیز اما در روز هجدهم ماه مبارک تغییر کرد. در این روز سیدعلی در تماس تلفنی با یکی از دوستانش در تهران، به او خبر داد که فردا افطار مهمان او خواهد بود؛ غافل از اینکه این مکالمه شنونده دیگری هم دارد: ساواک.

۱. مصاحبه با محبوب شهبازی، مشاور عالی و دستیار ویژه رییس بنیادشهید؛ به نقل از پایگاه اصلاع رسانی بنیاد

شهید و امور ایثارگران؛ در:

غروب فردا، سیدعلی وقتی سر قرار رسید که مأموران ساواک از قبل محل را محاصره کرده بودند. زنده به دست ساواک افتادن، بدترین اتفاق برای سید بود. برای همین طوری از مخفیگاهش بیرون آمد که مأموران تصور کردند مسلح است و قصد تیراندازی دارد؛ به همین دلیل برای روانه کردن رگبار گلوله به سوی او تردید نکردند. بدین سان نزدیک اذان مغرب سیدعلی به آرزویش رسید و در نوزدهم ماه رمضان با شهادت افطار کرد.

ب) خلبان شجاع شهید محمد نوژه

پس از انقلاب سال ۵۷، پروژه دشمنی اجانب با فعالیت گروهک منافقین و ضدانقلاب وارد فاز تازه‌ای شد. آنها در نقاط مختلف کشور آشوب به راه انداختند. شهر پاوه یکی از نقاطی بود که قربانی خیانت هواداران مسلح حزب دموکرات کردستان شد و خیلی زود سقوط کرد. در چنین اوضاعی با تصمیم وزیر دفاع وقت و فرمانده نیروی زمینی مقرر شد یگان‌های نظامی سپاه وارد عمل شوند. پایگاه سوم شکاری همدان هم یکی از واحدهای کمکی در این غایله بود. سرگرد محمد نوژه از جمله خلبانان این پایگاه بود که برای سرکوب خائنان این غایله داوطلب شد. او با وجود اینکه می‌دانست پرواز بر فراز پاوه محاصره‌شده می‌تواند بی‌بازگشت باشد، در پذیرش آن مأموریت تردید نکرد.

مرداد ماه آن سال با ماه مبارک رمضان مصادف شده بود و خلبان نوژه با زبان روزه مأموریت خود را آغاز کرد. او با هواپیمای اف ۴ و با شکستن دیوار صوتی، عرصه را بر مهاجمان مسلح ضدانقلاب تنگ کرد تا زمینه حضور نیروهای خودی فراهم شود. عملیات با موفقیت انجام شد؛ اما هواپیما هنگام گشت‌های هوایی هدف آتشبار دشمن قرار گرفت و از کنترل خارج شد. هواپیما در اثر برخورد با کوه سقوط کرد و شهید محمد نوژه در ۲۵ مرداد سال ۱۳۵۸ مصادف با ۲۳ رمضان با زبان روزه به آسمان پر کشید.

ج) شهید محراب آیت‌الله محمد صدوقی

ترورهای کور گروهک منافقین بار دیگر در سال ۱۳۶۰ اوج گرفت و روحانیون مبارز انقلابی در جایگاه یکی از اهداف این جریان شیطانی تعیین شده بودند. آیت‌الله محمد صدوقی که با حکم امام خمینی علیه السلام پس از انقلاب، امامت جمعه شهر یزد را عهده‌دار بود، چند بار از سوی عوامل این گروهک مورد سوءقصد قرار گرفت که البته عملیات‌شان ناکام ماند. او که باطن این ناکامی‌ها را برای خود سلب توفیق شهادت به حساب می‌آورد، همواره لب به حدیث نفس گشوده و می‌گفت: «آیت‌الله مدنی را شهید کردند، آیت‌الله دستغیب را شهید کردند؛ ولی

می ترسم من در بستر بمیرم و توفیق شهادت پیدا نکنم».

سرانجام در دومین جمعه از ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۰ بعد از خطبه‌های نماز جمعه و اقامه نماز، درحالی که آیت‌الله صدوقی قصد ترک مسجد را داشت، جوانی کوردل وابسته به گروهک منافقین ناگهان به سمت ایشان آمد و درحالی که ایشان را از پشت در آغوش گرفت، به یک‌باره صدای انفجار مهیبی مسجد را زیرورو کرد. اکنون دیگر دعا‌های آیت‌الله صدوقی اجابت شده بود که توفیق شهادت در محراب نماز و با زبان روزه نصیبتش شد.

۳. حال و هوای رمضان در جبهه و عملیات‌ها

رمضان در جبهه‌ها در اوج گرمای تابستان آن هم در منطقه خوزستان حال و هوای ویژه‌ای داشت. هرچند گرمای شدید و سوزان بالای ۵۰ درجه خوزستان، روزهای طولانی بالای ۱۶ ساعت، تشنگی و ضعف و بی‌حالی بسیار طاقت‌فرسا بود و نبرد با دشمن را سخت می‌کرد، به لطف خدا در ایمان و اراده رزمندگان کم‌ترین خللی ایجاد نمی‌شد.

هم‌زمانی نبرد و معنویت از صحنه‌های عجیبی بود که در عملیات‌های دفاع مقدس ظهور کرد و این اتفاق جلوه‌های زیبایی از شهادت را شکل داد. هرچند شهادت ذاتاً شیرین و گواراست، اگر در زمان و شرایط خاصی چون ماه مهمانی خدا رقم خورده باشد، حلاوت آن دوچندان می‌شود. وجود حال و هوای روحانی و عرفانی این ماه که بر فضای جبهه‌ها حاکم بود، باعث ایجاد قدرت ایمان مضاعف بین رزمندگان می‌شد.

برخی از عملیات‌ها مقارن با ایام خاصی همچون ماه مبارک رمضان یا ماه محرم و صفر می‌شد؛ ولی هیچ‌یک از این شرایط موجب کاهش تعداد نیروهای حاضر در منطقه یا لغو عملیات‌های از پیش طراحی شده علیه دشمن نمی‌شد، بلکه در چنین شرایط روحانی و عرفانی و معنویت حاکم بر جبهه‌ها، قدرت ایمان میان رزمندگان بیشتر و پررنگ‌تر جلوه می‌کرد. درواقع بحث انجام تکلیف، اصلی‌ترین موضوع مورد توجه رزمندگان بود و هیچ بهانه‌ای برای ترک تکالیف شرعی برایشان پذیرفتنی نبود.

عملیات رمضان در ماه مبارک رمضان سال ۶۱ در حالی انجام شد که تیرماه خوزستان گرم‌ترین روزهای خود را سپری می‌کرد. رزمندگان اسلام شب ۱۹ رمضان در حال و هوای خاصی آماده عملیات می‌شدند. گرمای شدید روز عملیات، وزش باد و توفان شن‌های روان و از همه مهم‌تر نبرد سخت با دشمن آن هم برای روزه‌داران بسیار سخت بود. یکی از رزمندگان لشکر ۲۵ کربلا در توصیف سختی روزه‌داری در چنین شرایطی می‌گوید:

ماه رمضان سال ۶۳ از طرف لشکرمان به پایگاه شهید مدنی (محل استقرار لشکر ۸ نجف اشرف) اعزام شدیم. چون قرار بود به مقر عملیات منتقل شویم، حکم مسافر را داشتیم و روزه بر ما واجب نبود؛ اما کسانی که در ماه مبارک در پایگاه اهواز می‌ماندند، می‌بایست روزه می‌گرفتند؛ از جمله مسئولین ستاد و امام جماعت و مکبر که نوجوان سیزده‌ساله‌ای بود. این در حالی بود که هوای اهواز بسیار گرم بود و حتی یک ساعت بدون نوشیدن آب قابل تحمل نبود. اواخر ماه مبارک که به اهواز برگشتم، احساس کردم نصف گوشت بدن این نوجوان آب شده است.^۱

در ادامه به اجمال به برخی دیگر از شهدای شاخص ماه رمضان مقدس اشاره می‌کنیم که بعضی از آنها با زبان روزه به شهادت رسیده‌اند.

الف) شهید حجت‌الاسلام جلال افشار

از دیگر شهدای ماه رمضان روحانی شهید جلال افشار است که آیت‌الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله‌علیه او را یگانه سرباز راستین امام زمان عجل‌تعالیه خواندند.

جلال در ساماندهی راهپیمایی‌های سال ۵۷ اصفهان نقش کلیدی ایفا می‌کرد و در بسیاری از گردهمایی‌ها به سخنرانی می‌پرداخت. با پیروزی انقلاب از عناصر اولیه کمیته دفاع شهری اصفهان شد و با آغاز جنگ تحمیلی، مردم به‌ویژه جوانان را به حضور در جبهه‌های نبرد و دفاع از میهن اسلامی سوق می‌داد. با تشکیل سپاه به پایه‌ریزی دروس عقیدتی برای آموزش رزمندگان پرداخت و همواره در جایگاه یک معلم اخلاق مهذب بین رزمندگان شهره بود. وی از جمله شهدایی بود که با جاذبه عرفانی و روحانی توانسته بود در قلب بسیجی‌ها نفوذ کند و با کلام نافذ و بیان شیرین انیس و همدم بسیجیان پادگان الغدیر اصفهان باشد.

جلال افزون بر فعالیت‌های آموزشی، در چند مرحله برای شرکت در عملیات چریکی راهی کردستان و مناطق غرب کشور شد و همراه دیگر سرداران در هسته اولیه لشکر امام حسین علیه‌السلام در مناطق دیواندره، بیجار، تکاب و سنندج حضور چشمگیری داشت و یک مرتبه نیز برای سرکوبی اشرار در سمیرم به منطقه پادنا اعزام شد.

عملیات رمضان آخرین عملیاتی بود که جلال در آن شرکت داشت. چه سعادت‌ی بالاتر از اینکه سرداری در میدان جنگ هنگام گفتن اذان و زمانی که به ذکر «محمد رسول‌الله» برسد،

۱. ماه مبارک رمضان در جبهه و اسارت، به روایت حبیب‌الله ابوالفضلی؛ به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه: <https://hawzah.net/fa/Article/View/108033>.

شهد شیرین شهادت بنوشد؛ آری سرانجام سردار روحانی جلال افشار که روزگاری در تابستان سال ۱۳۳۵ در یکی از محلات مستضعف‌نشین اصفهان به دنیا آمده بود، در ۲۴ تیرماه سال ۱۳۶۱ مصادف با ۲۳ رمضان هنگام ظهر در حال اذان‌گفتن و در اثر اصابت ترکشی که پهلویش را شکافت، از زندان دنیا رهایی یافت.

ب) خلبان شهید عباس دوران

یک هفته پس از شهادت جلال افشار یکی دیگر از یاران راستین خمینی کبیر در آخرین روز ماه رمضان و با زبان روزه به آسمان پر کشید. همه چیز از آنجا شروع شد که صدام با افتخار اعلام کرد کنفرانس غیر متعهدا قرار است در عراق برگزار شود؛ یک رویداد تبلیغاتی که تمام هدفش القای این ادعا بود که عراق به دژی نفوذناپذیر تبدیل شده است. از همان موقع بررسی‌ها در سطح کلان در جمهوری اسلامی شروع شد و در نهایت اقدام نظامی در جایگاه آخرین راهکار برای اثبات ناامنی عراق در زمینه برگزاری چنین کنفرانسی تشخیص داده شد.

نیروی هوایی طراحی برای یک عملیات بزرگ را شروع کرد و بمباران پالایشگاه «الدوره» هدف عملیات انتخاب شد. فرماندهان بعد از دوهفته مشورت و تبادل نظر برای تعیین مجری این عملیات پرمخاطره، به یک خلبان شجاع و امتحان‌پس داده به نام «عباس دوران» رسیدند. کسی که بیش از صدسورتی پرواز موفق جنگی و شرکت در عملیات‌های بزرگی مانند بمباران پایگاه الرشید بغداد، حماسه ناوچه پیکان و انهدام پنج ناوچه عراق در جریان عملیات مروارید، بمباران پالایشگاه کرکوک و انهدام پل‌های مواصلاتی دشمن را در کارنامه پر بار خود داشت.

شهید سرلشکر عباس دوران رکورددار بیشترین تعداد پرواز جنگی، آگاهانه آن مأموریت استثنایی را برای دفاع از کشورش در برابر دشمن متجاوز قبول کرد. از همان اول برای او همه چیز روشن بود؛ به همین دلیل قبل از پرواز در دفتر یادداشتش نوشته بود: «۹۰ درصد احتمال بازگشت وجود ندارد».

سحرگاه آخرین روز ماه مبارک رمضان، خبر حمله دو فروند جنگنده بمب‌افکن ایرانی به پالایشگاه دوره و بمباران این پالایشگاه حیاتی، در صدر اخبار خبرگزاری‌های معتبر جهان قرار گرفت و دنیا را تکان داد. دو هواپیمای ایرانی با پایان موفقیت‌آمیز مأموریت‌شان در تلاش بودند با نهایت سرعت از آسمان دشمن خارج شوند که صدای اصابت موشک به بخشی از بال و دم راست هواپیمای عباس، شادی‌شان را ناتمام گذاشت. حالا شعله‌های آتش از هواپیما زبانه می‌کشید و کم‌کم تعادلش را از دست می‌داد.

عباس که از قبل گفته بود هرگز تن به اسارت بعثی‌ها نمی‌دهد، حاضر به ایجکت و پریدن از هواپیما نشد و با زبان روزه و پس از یک عملیات نفس‌گیر هواپیمای شعله‌ور را دوباره در جهت بغداد قرار داد و این بار به سمت محل برگزاری اجلاس سران حرکت کرد. دقایقی بعد خلبان شجاع ایرانی هواپیمایش را به ساختمان هتل محل اقامت سران اجلاس کوبید تا بار دیگر پوچی ادعای صدام درباره امنیت بغداد را به رخ همه جهان بکشد. این چنین در آخرین روز ماه رمضان مصادف با ۳۰ تیر سال ۱۳۶۱ خون پاک شهید دوران به ثمر نشست و اجلاس سران غیرمتعهدها به علت نبود امنیت در بغداد برگزار نشد.

ج) شهید کوشا، حجت‌الاسلام عباس شیرازی

سردار شهید حجت‌الاسلام شیخ عباس شیرازی در سال ۱۳۲۳ در کشکوئیه رفسنجان متولد شد. او پس از پیروزی انقلاب در هر مسئولیتی چنان موفق عمل می‌کرد که مسئولین امر را وا می‌داشت مسئولیت تازه و بالاتری به او واگذار نمایند. ابتدا در منصب امامت جمعه تنکابن و خمین، بعد بازرس ویژه دادستان کل انقلاب و سپس در جایگاه قائم‌مقامی بازرسی کل کشور و قائم‌مقامی سازمان تبلیغات اسلامی و هم‌زمان با آن فعالیت در مؤسسه اسلامی مسجد جامع نارمک و هسته مرکزی گزینش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هیئت رئیسه دفتر تبلیغات اسلامی قم به خدمت پرداخت.

شیخ عباس با شروع جنگ تحمیلی وقتی حضور در میدان رزم را در رأس وظایف یافت، دوشادوش رزمندگان اسلام به جبهه شتافت و با غنیمت‌شمردن پیشنهاد فرماندهی تبلیغات جبهه و جنگ در سال ۱۳۶۴ در این جایگاه مشغول به خدمت شد. او نیمی از روزهای هفته را با مسافرت به مناطق غربی و جنوب کشور باب تازه‌ای را بین فعالیت‌های خود گشود. او همواره به جبهه‌های نبرد سرکشی می‌کرد و در یکی از همین مأموریت‌ها در هفدهم ماه مبارک رمضان در حوالی شهر دزفول بر اثر سانحه اتومبیل به شهادت رسید.

۴. شهدای بمباران‌های هوایی

گزارش‌های مستندی از دفعات بمباران شهرها و به خاک و خون کشیده‌شدن مردم بی‌دفاع توسط ارتش بعث عراق در تاریخ جنگ تحمیلی به ثبت رسیده است. با وجود موارد متعددی از جمله رنگین شدن سفره افطار مردم دزفول در ۲۱ خرداد ۱۳۶۳ با خون ۴۴ شهید کوچک و بزرگ، قتل عام ۲۸ شهروند روزه‌دار در مراسم راهپیمایی روز قدس ۲۴ خرداد ۱۳۶۴ اندیمشک و شهادت هفتاد شهروند خوزستانی در حادثه بمباران ایستگاه قطار هفت‌تپه، نباید از کنار شهادت

مظلومانه این مردم مظلوم و بی‌گناه به‌سادگی عبور کرد.

۵. روزه‌داری در بند اسارت

نماز خواندن و روزه‌گرفتن در اردوگاه جرم محسوب می‌شد. با شروع ماه رمضان سخت‌گیری بعثی‌ها به اسرا بالا می‌گرفت. اسرا برای اقامه نماز و روزه‌گرفتن باید نقشه‌های زیادی می‌کشیدند. آنها مجبور بودند سهمیه غذای ظهر را در نایلونی بریزند و زیر لباس‌شان پنهان کنند تا بتوانند با آن افطار کنند. اگر روزه‌داری کسی فاش می‌شد، به جرم تخلف از قوانین اردوگاه سخت شکنجه می‌شد.

یکی از آزادگان سرافراز حال و هوای ماه رمضان و سختی‌های اسارت را این‌گونه توصیف می‌کند:

عراقی‌ها به ما خیلی سخت می‌گرفتند. جز استعانت از قدرت لایزال الهی هیچ راهی برای تحمل سختی‌ها و رنج اسارت نبود. تنها امیدمان تحکیم ارتباط معنوی با نماز و روزه بود. هرچند که روزه‌گرفتن و نماز خواندن حتی به صورت فردی هم جرم بود، ولی اسرای که در اردوگاه ۱۲ و ۱۸ ما بودند، تصدیق می‌کنند که بچه‌ها ماه رجب و شعبان را هم به استقبال از ماه رمضان روزه می‌گرفتند. بارها اتفاق می‌افتاد که هنگام نماز خواندن نیروهای بعثی به بچه‌ها حمله می‌کردند و با تغییر جهت آنها از سوی قبله، نمازشان را به هم می‌زدند؛ به نحوی که یک شب مجبور شدیم نماز مغرب و عشا را زیر پتو به حالت خوابیده به جا بیاوریم.^۱

۶. شهدای مدافع حرم و امنیت

ماه رمضان سیروس‌سلوک، رسم و رسوم و مناسک خاص خود را دارد. فرقی نمی‌کند شیعه باشی یا اهل تسنن، ایرانی باشی یا عرب، در جبهه باشی یا در خانه؛ اما شاید جغرافیای جبهه و خط مقدم حماسه و مقاومت خیلی از معادلات را بر هم بزند و مدل رمضان را برای مریدانش تغییر دهد. تغییراتی از جنس رزم و با طعم شهادت؛ آن هم در جبهه مقاومت اسلامی و در مقابل گروه‌های تکفیری که تلاش داشتند اسلام را به گونه‌ای دیگر معرفی کنند.

شهید سیدمصطفی صادقی تنها شهید مدافع حرم سازمان انرژی اتمی در دومین مأموریت

۱. روزه‌داری در جبهه، راوی: آزاده سرافراز سردار مرتضی حاج باقری، برگرفته از خبرگزاری دفاع مقدس: <https://defapress.ir/fa/news/48673>.

مهمان ویژه: تجلی رمضان و روزه‌داری در سیره شهدا ■ ۱۶۳

خود به منطقه حماء سوریه در ۱۶ خرداد سال ۹۶ مصادف با یازدهم ماه مبارک رمضان در وقت افطار به دست تکفیری‌های جنایتکار به شهادت رسید. شهید میلاد حیدری نیز از دیگر رزمندگان مدافع حرم بود که یازدهم فروردین ۱۴۰۲ مصادف با نهم ماه مبارک رمضان در حمله جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در حوالی دمشق به شهادت رسید.

جنگ در جبهه مقاومت سوریه از جهات مختلفی با جنگ در جبهه دفاع مقدس متفاوت بود. در جبهه مقاومت رزمندگان حکم مسافر نداشتند و روزه خود را کامل می‌گرفتند. از آنجاکه رزمندگان یک یا دو ماه در یک منطقه می‌ماندند، در ماه‌های مبارک رمضان می‌توانستند قصد اقامت کنند و روزه بگیرند.

گاه ماه مهمانی خدا می‌تواند حتی خارج از معرکه رزم و نبرد نیز برای عده‌ای از بندگان ناب خداوند که رمضان را ماه مهمانی و رسیدن به مقام وصال الهی می‌پندارند، مجالی برای ورود به بهشت از دروازه شهادت باشد. هنوز بیش از دویست روز از ماه رمضان سال ۱۴۰۱ نگذشته بود که دو روحانی مظلوم محمد اصلانی و محمدصادق دارایی در حرم مطهر رضوی طی حمله مسلحانه فرد تکفیری با سلاح سرد زخمی و به شهادت رسیدند.

کتاب‌نامه

۱. پایگاه اطلاع رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ <https://dolat.ir/detail>
۲. پایگاه اطلاع رسانی حوزه؛ <https://hawzah.net/fa/Article/View/108033>
۳. خبرگزاری ایران؛ <https://www.irna.ir/news/83307641/14>
۴. خبرگزاری تسنیم؛ <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/04/09/416478>
۵. خبرگزاری دفاع مقدس؛ <https://defapress.ir/fa/news/48673>